

گونه‌های یادکرد امام مهدی علیه السلام در قرآن و روایات تفسیری

فرزانه روحانی مشهدی *

چکیده

دوران ظهور امام مهدی علیه السلام، زمان تحقق غایت آفرینش انسان در زمین است و در قرآن فراوان از آن سخن رفته است. در تحقیق حاضر، با کمک روایات، سه گونه یادکرد امام مهدی علیه السلام در قرآن معرفی می‌شوند که عبارتند از: ۱- یادکرد مستقیم امام مهدی؛ ۲- یادکرد امام مهدی علیه السلام ضمن بیان سرگذشت پیامبران الهی و مردمان پیشین؛ ۳- یادکرد امام مهدی ضمن بیان مثال‌هایی از پدیده‌های طبیعی. آن‌گاه ضمن بررسی نمونه‌هایی از هر گونه، با تکیه بر روایات نشان داده می‌شود شمار آیاتی که درباره امام مهدی و آینده جهان پیام دارد، بیش از مواردی است که به طور مستقیم به پیوند آن با امام مهدی علیه السلام در روایات اشاره شده است و با تدبیر در این آیات می‌توان حقایق فراوانی درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور از قرآن استنباط و از درستی بخش عمده روایات مهدویت در عرضه به قرآن، دفاع کرد. واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام و پیامبران الهی، پدیده‌های طبیعی در قرآن، قیامت، آیت، مثل.

خداوند حکیم، انسان و جهان را برای هدفی آفریده و قرآن کریم کسانی را که آفرینش جهان را بیهوده و بی‌هدف می‌دانند، مذمت می‌فرماید (ص: ۲۷) و این هدف را در آیاتی چند تبیین فرموده است (ذاریات: ۵۶؛ بقره: ۳۰؛ ملک: ۲) و با تأکید بر صفت عزت و شکست‌ناپذیری خود، تحقق این هدف را وعده می‌دهد (نور: ۵۵؛ مائده: ۵۴). دوران ظهور امام مهدی علیه السلام، زمان تحقق وعده الهی بر زمین و رسیدن بشر به غایتی است که برای آن آفریده شده است. از این رو، در قرآن آینده روشن جهان در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام ترسیم شده است. اگرچه همچون سایر امامان علیهم السلام بر نام ایشان تصریح نشده؛ ویژگی‌های شخصی امام مهدی علیه السلام و نقش ایشان در جهان و رویدادهای دوران ظهور و آینده جهان، به صورت‌های گوناگون و در آیات فراوان بیان شده و در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت از آن سخن رفته است. برخی از نویسندگان این روایات را که بنابر تحقیقات دانشمندان از اصالت و اعتبار و تواتر اجمالی برخوردار است (اکبرنژاد، ۱۳۸۳: ۱۸۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۰۰: ۶۴-۶۵؛ مهدوی راد، ۱۳۸۱: ۳۵۴)؛ در تالیفاتی گردآوری کرده‌اند؛ تالیفاتی مانند:

جلد سیزده بحارالانوار، علامه مجلسی؛ المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، سید هاشم بحرانی؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، شیخ علی کورانی؛ موسوعة المصطفی و العترة، حسین شاکری؛ سیمای امام زمان علیه السلام در آینه قرآن، علی اکبر مهدی پور؛ المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمد حسین رضوی؛ پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی علیه السلام؛ جعفر شیخ الاسلامی؛ غریب غیب در قرآن، محمد حسین صفا خواه؛ اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفائی کاشانی؛ القرآن يتحدث عن الامام المهدی علیه السلام، مهدی حسن علاء الدین (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۵۲).

البته در این باره، از جمع آوری آیات و روایات تفسیری دغدغه‌ای فراتر وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ملاک‌های سنجش درستی احادیث، عرضه آن به کتاب خداست. سخن در این است که آیا می‌توان از ظواهر کتاب خدا که تبیان همه مسائل است، حقایقی درباره امام

مهدی علیه السلام و نقش ایشان در آینده جهان دریافت کرد؟ این که احادیث مهدویت را به کدام دسته از آیات قرآن می‌توان عرضه کرد؟ اساساً خداوند در کتاب خود، به چه صورت‌هایی از امام مهدی علیه السلام یاد کرده است؟

شناسایی مورد اخیر، یعنی گونه‌های یادکرد امام مهدی علیه السلام که مسئله اصلی این پژوهش است؛ چنان که خواهد آمد، بستر ساز توسعه آیات مهدوی در پرتو روایاتی است که ملاک بازشناسی این آیات را به دست می‌دهد. در این صورت، علاوه بر آیاتی که در روایات به صراحت از پیوند آن با امام مهدی علیه السلام سخن می‌گوید، آیات دیگری کشف می‌گردد که حاوی پیام‌هایی درباره امام مهدی علیه السلام است؛ اگرچه در روایات به طور مستقیم از آن سخن نرفته است.

در این پژوهش، با تبیین تمام آیات مهدوی در سه دسته، زمینه بازشناسی بسیاری از آیات مهدوی که از سوی عموم پژوهشگران مغفول مانده است، فراهم می‌گردد؛ به این صورت که روشن می‌شود، قرآن به سه صورت از امام مهدی علیه السلام یاد کرده است:

۱. به طور مستقیم به ترسیم آینده روشن حیات بشری پرداخته که بنابر روایات معتبر شیعه و سنی با دوران امام مهدی علیه السلام پیوند دارد.

۲. سنت‌های پایدار الهی را در قالب سرگذشت پیامبران و مردمان پیشین بیان کرده و آن را نمونه و نشانه‌ای برای وقوع این سنت‌ها در دوران پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم خوانده است که اجرای برخی از این سنت‌ها تا دوران آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به تأخیر افتاده است. بنابراین، بسیاری از داستان‌های قرآن به عنوان نمونه و نشانه‌ای برای ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور بیان شده است.

۳. پدیده‌هایی در جهان طبیعت را به عنوان مثالی برای جایگاه امام مهدی علیه السلام در جهان بیان کرده است.

آن‌گاه با استناد به روایات تأکید می‌شود که بسیاری از آیات قصص قرآن و نه تنها مواردی که در روایات مستقیماً به پیوند آن با امام مهدی علیه السلام اشاره شده، در دسته دوم جای دارند.

همچنین با تکیه بر روایات، روشن می‌گردد بسیاری از آیات که در وصف آینده جهان است و از سوی مفسران به احوال قیامت دانسته می‌شود، در واقع به روزگار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز اشاره دارد.

اکنون به دلیل تکیه این مقاله بر احادیث تفسیری، مبنای علمای شیعه در اعتماد به روایات تفسیری را به طور کوتاه مرور می‌کنیم. سپس نمونه‌هایی از هر سه گونه یادکرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در قرآن ارائه می‌دهیم:

حجیت روایات تفسیری

در مقاله‌ای با عنوان «حجیت خبر واحد از نفی تا اثبات» تاریخچه روش سنجش اعتبار روایات در میان متقدمان شیعه و اهل سنت بررسی شده است، مقاله مذکور گویای آن است که اکنون دانشمندان مسلمان حجیت خبر واحد ثقه را پذیرفته‌اند (طارمی، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۷۳). البته دانشمندان در حجیت خبر واحد در حوزه روایات فقهی و غیر آن همداستان نیستند. در این میان، دانشمندانی چون آیت‌الله خوئی (۱۳۹۴: ۳۹۸؛ بی تا: ۱۸۰ و ۲۳۹)؛ آیت‌الله فاضل لنکرانی (۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۶)؛ آیت‌الله سبحانی (بی تا: ۴۹۰)؛ آیت‌الله معرفت (۱۳۷۹: ۱۴۲-۱۴۶)؛ با تأکید بر این نکته که سیره عقلا بر قبول خبر واحد شخص ثقه استوار است؛ میان حجیت خبر واحد در احکام فقهی و غیر آن تفاوتی قائل نیستند. استاد مهدوی راد از نظر روش شناسانه بحث حجیت خبر واحد را مورد نقد قرار داده و آن را مخدوش می‌داند. ایشان می‌نویسد:

این بحث که در اصول فقه شیعه، زیاد مجال طرح نداشته و یکی از نزاع‌های اشاعره و معتزله بوده است؛ یک مشکل روش شناسانه دارد و آن این است که روایات را به طور کلی به دو دسته فقهی و غیر فقهی تقسیم کرده‌اند؛ سپس حجیت روایات اعتقادی را به دلیل مشکلات عقیدتی (که سلفیون با حجت دانستن روایات اعتقادی پیدا کردند) نپذیرفته‌اند. در پی آن، روایات اعتقادی را که در مقابل روایات فقهی بود، به عنوان «روایات غیر فقهی» مطرح نموده و به عدم حجیت خبر واحد در آن‌ها قائل شده‌اند؛ در حالی که این تقسیم بندی درست

نیست؛ چراکه نباید روایات غیرفقهی را با روایات اعتقادی مقوله‌ای مساوی دانست؛ زیرا روایات غیر فقهی، مشتمل بر اخبار تفسیری، تاریخی، معیشتی، اجتماعی، اخلاقی و نیز اعتقادی است. پس، اخبار اعتقادی تنها یکی از انواع روایات غیر فقهی است، نه همه آن. اگر چنین دسته بندی را از آغاز درست انجام می‌دادند، به نظر می‌رسد کسانی که به عدم حجیت روایات تفسیری قائل شده‌اند؛ به حجیت آن، اذعان و اعتراف می‌کردند؛ بدین دلیل که اگر حجیت خبر واحد را سیره عقلا بدانیم، نه جعل شارع، آن‌گاه سیره عقلا، این تفکیک را بر نمی‌تابد و در همه حوزه‌ها قابل اطمینان بودن آن راتثبیت می‌کند؛ چه فقه، چه تفسیر و چه غیر آن (مهدوی راد، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۴).

آیت‌الله معرفت نیز درباره نقش صحت سندی، در پذیرش خبر واحد تفسیری گفته‌اند: ارزش خبر واحد در تفسیر و تاریخ، تنها با در نظر گرفتن خود متن تعیین می‌شود، نه سند آن؛ یعنی محتوای حدیثی که وارد شده تا ابهام موجود در یک موضوع را برطرف کند؛ در نظر گرفته می‌شود و خود متن خبر شاهد صدق آن خواهد بود و اگر ابهام را برطرف نکند- هر چند از نظر سند صحیح باشد- دلیلی بر پذیرش تبعیدی آن نداریم (معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۲۵).

در این مقاله نیز با تکیه بر مبنای مذکور به روایات کتاب‌های مورد اعتماد شیعه استناد جسته ایم.

۱- یادکرد مستقیم امام مهدی علیه السلام و دوران ایشان

عقیده به امام مهدی علیه السلام از عقاید مسلم فریقین است که روایات فراوانی از رسول خدا و اهل بیت معصوم ایشان علیهم السلام درباره آن نقل شده است و این روایات به بیان صاحب نظران از تواتر معنوی برخوردار است (مهدوی راد، ۱۳۸۱: ۳۵۱-۳۶۷)؛ حتی آن دسته از روشنفکران اهل سنت که در پی مخدوش ساختن این اندیشه به تضعیف احادیث آن پرداخته‌اند، به اعتبار دست کم چهار حدیث گواهی داده‌اند که همین احادیث برای اثبات درستی اساس این اندیشه بسنده می‌کند (اکبرنژاد، ۱۳۸۳: ۱۸۰). بنابراین، قرآن که هرچیزی در آن بیان شده است (نحل: ۸۹)؛ بی‌تردید از این اصل اعتقادی اسلام نیز سخن گفته است؛ از جمله در

آیاتی که به طور مستقیم از آینده روشن جهان در پایان حیات بشر در زمین سخن می‌گوید؛ مانند آیاتی از قرآن که پیروزی جبهه خدا و رسولان (مجادله: ۲۱)، و صالحان (نور: ۵۵) را نوید می‌دهد و از تحقق دین خدا (فتح: ۲۸؛ توبه: ۲۳؛ صف: ۹) و ظهور تام نور خدا بر زمین (توبه: ۳۲؛ صف: ۸؛ زمر: ۶۹) و پاک شدن زمین از لوث شرک و عبودیت حقیقی و همگانی پروردگار (نور: ۵۵) و گشوده شدن درهای برکات آسمان (اعراف: ۹۶)؛ سخن می‌گوید. روایات ذیل این آیات نیز موید این مطلب است که این آیات درباره دوران امام مهدی علیه السلام سخن می‌گوید (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۳۱؛ ج ۲: ۲۴۱؛ ج ۶: ۵۸)؛ زیرا روایات فریقین دوران امام مهدی علیه السلام را، دوران شکوفایی عقل بشر (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰؛ ج ۳: ۱۶۹) و پیروزی دین حق و غلبه آن بر تمام ادیان (همان، ۱۳۶: ۳) و آبادانی زمین (همان، ۳: ۱۳۸-۱۶۸)؛ ریزش برکات آسمانی و زمینی بر بندگان (همان، ۳: ۱۴۱) و استقرار کامل عدالت (همان، ۳: ۱۵۵) و نزول عیسی بن مریم (همان، ۳: ۱۵۸) دانسته‌اند.

برخی آیات دیگر نیز به وصف آینده جهان در دوران امام مهدی علیه السلام و آخرالزمان اشاره دارند که در تفاسیر از آیات وصف قیامت شمرده می‌شوند. این دسته از آیات گاه تنها به روزگار امام مهدی علیه السلام و رویدادهای آخرالزمان اشاره دارند و گاه قیامت و قیام امام زمان علیه السلام را به عنوان دو پدیده‌ای که در یک جهت قرار دارند، اراده کرده‌اند. یک دلیل این مسئله پیوند و شباهتی است که میان این دو رویداد وجود دارد. موارد زیر نمونه‌هایی از این شباهت‌ها است:

- با قیام امام مهدی علیه السلام نیکان و بدان از هم متمایز می‌شوند. نیکان در حکومت امام مهدی علیه السلام در زمین متنعم می‌شوند و بدان به شمشیر امام عذاب می‌شوند. همین واقعه به شکل عظیم‌تر در قیامت در صحنه بهشت و دوزخ رخ خواهد داد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۷۲).

- از وقایع زمان قیام امام مهدی علیه السلام رجعت برخی مردگان است که این رجعت و بعث و نشر

در زمان قیامت به شکل عام روی خواهد داد (نمل: ۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۲۲۸).

- با قیام امام علیه السلام بسیاری از مسائل پنهان، آشکار و ظاهر می‌گردند؛ مانند ناخالصی‌هایی که در قلب کافران و منافقان بر اثر فتنه‌ها و ابتلائات شدید آخرالزمان ایجاد شده و در قرآن با واژه «تمحیص» از آن‌ها یاد شده است و موجب جدایی صف کافران از مومنان می‌گردند (کلینی: ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۷۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۴). آشکار شدن اسرار نهان در قیامت به اوج می‌رسد چرا که «یوم تبلی السرائر» است.

- قضاوت میان بندگان و اجرای عدالت و انتقام از ظالمان از ویژگی‌های بارز حکومت امام مهدی علیه السلام است که در سطحی وسیع‌تر، در قیامت واقع می‌شود (فصلت: ۱۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۳۴؛ مجلسی، ج ۲۴: ۷۲؛ صافی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۳۱۷؛ روحانی، ۱۳۹۲: ۱۷۷-۱۸۸).

بنابراین، میان واقعه ظهور امام و قیامت مشابهت‌های فراوانی وجود دارد؛ اما تفاوت اساسی میان این دو که می‌توان به وسیله آن، این دو رویداد را از هم بازشناخت؛ این است که زمان قیامت نظام کیهانی، خورشید و ماه و ستارگان و زمین از بین می‌روند و نظام دیگری برقرار می‌شود که برای حشر همگانی و حساب و بهشت‌های جاویدان و جهنم شرایط لازم در آن فراهم باشد؛ اما قیام امام مهدی علیه السلام زمانی صورت می‌گیرد که هنوز نظام کیهانی کنونی برچیده نشده؛ اگرچه در آن تغییراتی به وجود آمده تا زمین را برای بندگان صالح خداوند پرنعمت و آباد سازد؛ تغییراتی که قرآن از آن سخن گفته و در روایات فراوان بدان پرداخته شده است. از این رو، وقایع عصر امام مهدی علیه السلام به شکل محدود تر در همین دنیا واقع می‌شود و ماکت و نمونه کوچکی است از قیامت که در سطحی وسیع واقع می‌شود و عالم را دربرمی‌گیرد.

علامه طباطبائی ذیل آیه: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (بقره: ۲۱۰)، به این نکته اشاره کرده است:

«باید دانست که در روایات اهل بیت علیهم السلام این آیه شریفه:

۱- به روز قیامت تفسیر شده؛ چنان که عیاشی در تفسیر خود از امام باقر علیه السلام این روایت را آورده است.

۲- به روز رجعت هم تفسیر شده، که مرحوم صدوق روایت آن را از امام

صادق علیه السلام نقل کرده است.

۳- به ظهور مهدی علیه السلام نیز تفسیر شده و عیاشی روایتش را در تفسیر خود به دو طریق از امام باقر علیه السلام آورده است.

نظایر این گونه روایات بسیار است، که اگر بخواهی کتاب‌های حدیث را صفحه به صفحه ببینی، خواهی دید که روایات بسیار زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر بسیاری از آیات آمده که یا فرموده‌اند مربوط به قیامت است و یا فرموده‌اند مربوط به رجعت است و یا فرموده‌اند مربوط به ظهور مهدی علیه السلام؛ و این نیست؛ مگر به خاطر وحدت و سختی که در این سه معنا هست» (طباطبائی: ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۰۶).

اکنون به بررسی چند نمونه از این آیات می‌پردازیم که با توجه به مفاد آنها روشن می‌شود این آیه به صراحت درباره آینده روشن جهان پیش از قیامت و در دوران امام مهدی علیه السلام سخن می‌گویند:

۱.۱. وعده پیروزی خدا و پیامبران او

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ خدا مقرر داشته که البته من و پیامبرانم پیروز می‌شویم؛ زیرا خدا توانا و پیروزمند است» (مجادله: ۲۱).

در این آیه، خداوند از قطعیت پیروزی جبهه حق خبر می‌دهد که پیروزی همه جانبه و بی قید و شرط خدا و رسولان در دنیا است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۱۹۵) و این وعده فراگیر، وعده ای صادق است که در زمان کنونی محقق نشده است (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۶: ۳۵۱۴). در طول تاریخ برخی رسولان الهی به طور مقطعی و موقت و یا در محدوده ای از جهان پیروزی یافته‌اند؛ مانند نوح علیه السلام که در مقطعی، طوفان او تمام زمین را دربرگرفت (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۳۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۲۱۳) و همه کافران هلاک شدند و تنها صالحان نجات یافتند؛ اما دوباره در میان نجات یافتگان شرک و کفر آغاز شد. در دوران برخی پیامبران مانند لوط علیه السلام نیز در محدوده‌ای از جهان و در یک شهر پیروزی حاصل شد (انبیاء: ۷۴). نیز برخی رسولان چون ابراهیم علیه السلام با وجود آیات و نشانه‌هایی چون سرد شدن آتش، بر قوم خود پیروز نشدند و به دستور خداوند از منطقه خود هجرت کردند.

(عنکبوت: ۲۴-۲۶). بسیاری از پیامبران نیز به دست قوم خود کشته شدند (بقره: ۸۷؛ نسا: ۱۵۵) در شرایط کنونی جهان نیز، دین خدا و موحدان بر مشرکان و کافران غالب و پیروز نیستند و جهان در سیطره قدرت جبهه باطل قرار دارد؛ اما مومنان به وعده‌های صادق الهی در انتظار روزی هستند که منجی موعود، پیروزی فراگیر جبهه حق، یعنی به گستره همه جهان، تا روز قیامت را رقم زند.

۲.۱. وعده استخلاف صالحان و برقراری امنیت و غلبه دین توحید در زمین

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُيَدِّلَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْثًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را به یقین در زمین جانشین می‌گرداند؛ چنان که کسانی را پیش از آن‌ها جانشین گردانید و بی‌گمان دینی را که برای آنان پسندیده است، برای آن‌ها استوار می‌دارد و [حال] آنان را از پس هراس به آرامش بر می‌گرداند. [انان] مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌گردانند و کسانی که پس از این کفر ورزند، نافرمانند. (نور: ۵۵).

در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم: مصداق و تأویل کامل این آیه روز حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام خواهد آمد (عروسی حویزی: ۱۴۱۵، ج ۳: ۶۱۸-۶۲۰) و صالحان و خلیفه شدگان در زمین، شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام هستند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۵۰؛ قندوزی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۴۵).

مفاد آیه و روایات فریقین ذیل آن، گویای آن است که آیه در وصف دوران امام مهدی علیه‌السلام سخن می‌گوید؛ اما برخی مفسران اهل سنت خواسته‌اند این آیه را با روزگار خلفا تطبیق دهند که دلایل این مفسران مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که:

- روایات مورد استناد آنان ضعیف و با تناقض و استنادناپذیری همراه است.
- خطاب آیه شریف به حاضران در عصر نزول اختصاص ندارد، بلکه خطاب به همه مسلمانان در همه اعصار است و به بعضی از آنان که دارای ایمان و عمل صالحند وعده

استخلاف و... داده شده است.

- تمکین از دین به معنای واقعی کلمه و رفع خوف و امنیت کامل در عصر هیچ یک از خلفا محقق نگردیده و تا کنون نیز محقق نشده است. بر اساس روایات متعدد شیعه و سنی و با توجه به اطلاق تعبیر موضوع محل بحث و با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی تمکین از دین، این تمکین در عصر امام مهدی علیه السلام محقق خواهد شد و با استقرار دین در دوران امام مهدی علیه السلام و غلبه آن بر ادیان جهان شاهد چنین امنیتی خواهد بود (دژآباد، ۱۳۹۱: ۵۳).

۳.۱. اتمام نور خدا و غلبه دین حق بر همه ادیان

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿*) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ برآند که نور خداوند را با دهان‌هاشان خاموش گردانند و خداوند جز این نمی‌خواهد که نورش را کمال بخشد؛ هر چند کافران نپسندند. اوست که پیامبرش را با رهنمود و دین راستین فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها برتری دهد؛ اگر چه مشرکان نپسندند (توبه: ۳۲ - ۳۳).

همه آیاتی که روزی را نوید می‌دهند که در آن دین حق به طور کامل در زمین برپا می‌شود و بر همه ادیان باطل غلبه می‌کند، به روزگار ظهور امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. شبیه آیات مذکور در آیات ۸ و ۹ سوره صف و آیه ۲۸ سوره فتح نیز آمده است. همان‌گونه که ذکر شد تا کنون این وعده موکد پروردگار محقق نشده است و تنها در دوران امام مهدی علیه السلام شاهد وقوع آن خواهیم بود. روایات متعدد شیعه (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۱۷؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۴۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۳۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۸۲) ذیل آیه گویای همین مطلب است.

۲. یاد کرد امام مهدی علیه السلام ضمن بیان قصص انبیای الاهی

به فرموده امیر مومنان، علی علیه السلام یک چهارم قرآن به بیان سرگذشت پیامبران الاهی و مردمان پیشین اختصاص یافته است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۴: ۳۰۵). بنابر دلایل فراوان قرآنی و روایی، بسیاری از پیام‌های قرآن درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور در داستان پیامبران الاهی بیان شده و میان سیره پیامبران الاهی با امام مهدی علیه السلام شباهت‌های فراوانی وجود

دارند. هشت دلیل زیر از جمله این دلایل هستند:

اول. خداوند متعال سنت‌های پایداری دارد که در همه دوره‌ها و میان مردمان جاری می‌گرداند. این سنت‌ها تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند (اسراء: ۷۷؛ فاطر: ۴۳). یکی از این سنت‌های الهی، «استخلاف» است (مکارم: ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۵) که جامع و دربردارنده چندین سنت دیگر است. استخلاف به معنای حیات بخشیدن به انسان‌ها است در زمین، به منظور رسیدن به مقام خلافت پروردگار (جوادی آملی: ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۰۵) و بهره‌مند ساختن آنان از هدایت فطری (حجر: ۲۹)؛ آن‌گاه آزمودن آن‌ها است تا برای رسیدن به این مقام به شایستگی دست یابند (یونس: ۱۴ و ۷۳؛ انعام: ۱۶۵) و هدایت بیش‌تر انسان‌ها توسط فرستادگان الهی و فرصت دادن به آن‌ها است تا در ابتلائات در صورت انتخاب راه درست، صلاح خود را آشکار سازند و در صورت انتخاب نادرست از گروه صالحان خارج شده، به ناپاکان بپیوندند و کینه و ضغن درون (محمد: ۲۹) خود را آشکار سازند (آل عمران: ۱۴۱-۱۵۴ و ۱۷۸ و ۱۷۹). پس از سنت ابتلا، سنت عذاب ناپاکان (یونس: ۱۰۲) و نجات پاکان و صالحان (یونس: ۱۰۳) جاری می‌گردد. این‌گونه حلقه اول این چرخه پایان می‌یابد و با آزمون و ابتلای نجات یافتگان و فرزندان آنان، حلقه بعد آغاز می‌گردد (طباطبائی: ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۵۱) و این چرخه غربالگری به حرکت خود در طول تاریخ ادامه می‌دهد تا در آخرین حلقه و در دوران امام مهدی علیه السلام برگزیده آدمیان در طول تاریخ پدید آیند و هدف خلافت الهی را در زمین محقق سازند (نور: ۵۵؛ طباطبائی: ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۵۶). مطالعه و تفکر در آیات قصص قرآن ما را به شناخت سنت استخلاف و چگونگی اجرای آن در دوران امام مهدی علیه السلام می‌رساند.

دوم. قرآن کریم سرگذشت پیشینیان را مثال و نمونه ای برای آیندگان خوانده است (ابراهیم: ۴۵؛ نور: ۳۴).

«فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ؛ و آنان را پیشینه و مثلی برای آیندگان کردیم» (زخرف: ۵۶).

خداوند از آنان خواسته است در این مثل‌ها و نمونه‌ها تعقل کنند و تنها دانایان را شایسته چنین تعقلی دانسته است (عنکبوت: ۴۳؛ حشر: ۲۱) و می‌فرماید: برای هر چیزی مثل و نمونه

ای در قرآن آمده است (روم: ۵۸) که تنها ستیزه جویان (کهف: ۵۴) و حقیقت پوشان (اسراء: ۸۹) از آن متذکر نمی‌شوند (زمر: ۲۷).

بنابراین، می‌توان دریافت که بی‌تردید خداوند در قرآن برای مهدویت که از اعتقادات مسلم اسلام است (صافی گلپایگانی، ج ۱۵، ۱۴۰۰)؛ مثل‌هایی آورده است تا با تعقل در آن مثل‌ها نسبت به مهدویت بصیرت یابند. از جمله این امثال، داستان گذشتگان است که به صراحت آن را نمونه‌ای برای آیندگان می‌خواند (زخرف: ۵۶).

سوم. داستان گذشتگان را آیت و نشانه‌ای برای آیندگان و جویندگان حقیقت معرفی کرده است (یوسف: ۷) و در سوره شعراء پس از بیان سرگذشت هفت قوم، هفت بار با جمله‌هایی مشترک بر آیت بودن سرگذشت آنان تأکید شده (شعراء: ۸ و ۹) و از آنان خواسته است با نگرستن در این آیات که جزئیات هر چیزی در آن بیان شده (یوسف: ۱۱۱)؛ نسبت به مسائل پیش روی خود فهم یابند؛ زیرا بنابر مفاد آیه ۵ سوره ابراهیم، رسولان به وسیله آیات، ایام الله را به مردم خاطرنشان می‌کردند و این ایام در آینده واقع خواهند شد (نبلی، ۱۴۳۰: ۳۳۳). از جمله ایام الله؛ روزهایی است که ظرف وقوع رویدادهایی عظیم در میان امت‌های پیشین می‌باشد؛ (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۷۲)؛ و این ایام، بنابر سنت استخلاف در دنیا بوده است؛ یعنی روز جدایی کامل بدن از نیکان و عذاب بدان و نجات نیکان. امت پیامبر خاتم نیز نسبت به روزی که ظرف چنین رویدادی در دنیا است، انداز شده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۵۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۸۵۹)؛ اگرچه زمان وقوع آن به تأخیر افتاده است (هود: ۸) و این یوم الله موعود که وقوع آن به تأخیر افتاده، همان روز ظهور امام مهدی علیه السلام است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۱۵). پس یوم الله امت‌های پیشین آیت و نشانه‌ای برای یوم الله ظهور قائم علیه السلام است. روایات نیز، روز ظهور امام مهدی علیه السلام را یکی از مصادیق سه گانه ایام الله می‌خواند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۲۸).

چهارم. خداوند فرموده است که مطالعه داستان گذشتگان باید مایه عبرت و بصیرت بندگان گردد (یوسف: ۱۱۱). بنابراین، داستان‌های قرآن که همه مسائل را به تفصیل در خود دارد، حتماً حاوی نکات ارزشمندی درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور است؛ چراکه اندیشه

مهدویت از اصول اساسی اعتقادات مسلمانان است و بنا به راهنمایی آیات مذکور برای فهم و کشف این نکات باید در این آیات تفکر و تعقل نمود؛ زیرا «عبرت»، یعنی عبور از صحنه‌ای به صحنه دیگر که با آن، معادل و موازی و همانند است. عبرت از قصص انبیاء علیهم‌السلام که خداوند متعال آن را دربردارنده تفصیل هر چیزی شمرده است، در حوزه مسائل اعتقادی است؛ زیرا مسائل اعتقادی، محل نسخ بین شرایع نیست و همواره مسائل اعتقادی و دین همه پیامبران واحد و آن اسلام بوده است. بنابراین، عبرت در مورد فروع دین مطرح نمی‌شود. پس بر اساس آیه مذکور، از جمله آموزه‌های قرآن کریم، این است که پاسخ سوالات و شبهات اعتقادی خود را در قصص پیامبران و امت‌هایشان جست‌وجو کنیم. اعتقاد به امام مهدی (عج)، طول عمر، غیبت و وقایع عصر ظهورشان نیز در عصر ما یکی از مسائل اعتقادی است که میدان بحثی گسترده میان فرق اسلامی گردیده است و می‌توان با تأمل در سرگذشت پیشینیان در قرآن، پرده از بسیاری از مبهمات آن گشود (سند، ۱۴۳۲: ۸).

پنجم. در روایات نیز بر مشابهت روش پیشینیان و پسینیان تأکید شده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹: ۲۴۹).

ششم. همچنین در روایات متعدد، به طور خاص به شباهت سنت‌های جاری الهی میان پیامبران الهی با امام مهدی (عج) اشاره شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۲؛ همان، ج ۲: ۳۵۲).

هفتم. بنابر روایتی معتبر (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۲۵ و ۳۲۹)، خداوند پیش از دنیا در عالم ذرّ انسان‌ها را آزمون و سپس از آنان که از دیگران پیشی گرفتند بر سر ایمان به خدا و رسول الله و نصرت مهدی (عج) پیمان گرفت و آنان که نسبت به این پیمان عزم نشان دادند و عزم آنان نسبت به امام مهدی (عج) ثابت شد، به عنوان رسولان اولوالعزم، برگزیده شدند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸). در این صورت، باید به زندگانی رسولان اولوالعزم از این منظر نگریست و هدف رسالت و مأموریت آنان را زمینه‌سازی ظهور و یآوری امام مهدی (عج) دانست و از زندگی آنان، سیره امام مهدی (عج) را آموخت.

هشتم. خداوند در آیاتی چند از قرآن تأکید می‌کند مومنان به پیامبران و کتاب‌های

آسمانی و فرشتگان در کنار ایمان به خدا و ایمان به روز قیامت، ایمان آورند و به ایمان اجمالی بسنده نکنند. (بقره: ۱۳۶؛ بقره: ۲۸۵؛ آل عمران: ۸۴؛ نساء: ۱۳۶)؛ زیرا سیره آنان آیتی است که باید به آن ایمان داشت. بر اساس تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام ایمان اذعان و باور قلبی است که اثر آن در عمل پدیدار می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۶: ۶۴). در واقع ثمره ایمان، عمل صالح است. پس، شایسته است بدانیم ثمره ایمان به رسولان چیست و خود را بدین وسیله در بهره مندی از این باور محک بزینیم.

با توجه به آنچه درباره آرمان مشترک همه پیامبران گفته شد، همه آنان در زندگی خود منتظر و زمینه ساز ظهور آن آرمان الهی در زمین بوده اند و نگاهشان را به آن افق دوخته، و به سوی آن گام بر می‌داشتند و از تمام قوا و آیاتی که خدا به آنان عنایت کرده بود، در آن جهت بهره می‌بردند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۳۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۶: ۲۱۹؛ ج ۱۳: ۵؛ ج ۵۲: ۳۱۸). مطالعه سیره انبیای الهی در قرآن نشان می‌دهد که همواره دعای آنان الحاق به صالحان بوده و عموماً در اواخر عمرشان نوید استجاب این دعا را دریافت کرده اند (ذوالفقار زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۶۰) و صالحان کسانی هستند که خداوند آنان را وارثان زمین قرار داده است (انبیاء: ۱۰۵)؛ یعنی امام مهدی علیه‌السلام و یاوران ایشان. پس، تنها با ایمانی که بر چنین معرفتی بنا شده، می‌توان از آنان در مسیر یآوری امام مهدی علیه‌السلام الگو گرفت و توفیق انجام دادن عمل صالح یافت. همچنین با در نظر داشتن عقیده مسلم رجعت، تبعیت از رسولان (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۱۷) در دوران رجعت در گرو ایمانی است که قبل از آن در دل ایجاد شده است. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۲). از این رو خداوند به مومنان تأکید می‌کند در کنار ایمان به خداوند و روز جزا به پیامبران و کتاب‌های آسمانی و فرشتگان ایمان آورند و به ایمان اجمالی بسنده نکنند. (طباطبائی: ۱۴۱۷، ج ۵: ۱۸۲) تا این ایمان، آنان را به تبعیت از رسولان به عنوان یاوران امام مهدی علیه‌السلام موفق سازد. پس آیات سیره رسولان در قرآن حاوی پیام‌ها و درس‌های مهدوی است.

با نظر و تدبّر در آیات قصص انبیا علیهم‌السلام، نشانه‌ها و نمونه‌هایی برای سیره امام مهدی علیه‌السلام قابل استنباط است. بدیهی است برخی مشابیه‌ها، مانند طول عمر حضرت را ما به اشاره

روایات دانسته‌ایم و با ذکر نمونه آن در سیره پیامبران از امکان آن دفاع می‌کنیم. بنابراین، نمی‌توان چنین تصور کرد که هر آنچه در سیره پیامبران است، در سیره امام مهدی علیه السلام نیز مشاهده می‌شود. برخی دیگر از مشابهت‌ها که برخاسته از سنت پایدار و تبدیل ناپذیر الهی است؛ مانند شدت گرفتن ابتلائات و غربال نیکان از بدان و نجات نیکان و عذاب بدان را به طور ضروری می‌توان برای دوران ظهور امام و آستانه آن اثبات کرد؛ زیرا در سنت‌های پایدار و غیرقابل تغییر خداوند ریشه دارد:

۱.۱.۲. آدم علیه السلام

داستان آدم علیه السلام در قرآن با بشارت خداوند به فرشتگان درباره قرارداد خلیفه پروردگار در زمین، آغاز می‌شود. بیان مقام خلافت به شکل عام نشان می‌دهد که خلیفه لزوماً نبی یا رسول یا شخص آدم علیه السلام نیست (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۲۳)؛ بلکه مفهومی عام است برای آغاز تا انتهای آفرینش بشر (سند: ۱۴۳۱، ۷۹). در آیات قصص قرآن، سخن از استخلاف صالحان در دوره‌هایی از زمان به میان آمده است (یونس: ۱۴) و بنا بر آیه استخلاف (نور: ۵۶) و گواهی روایات فریقین، تمکین و غلبه کامل خلفا در زمان امام مهدی علیه السلام واقع خواهد شد (ابن کثیر: ۱۴۱۹، ج ۶: ۷۲؛ کورانی: ۱۴۲۸، ج ۷: ۳۹-۴۰). پس داستان آدم علیه السلام به عنوان اولین خلیفه و سایر کسانی که در قرآن از خلافت آنان سخن رفته است، نمونه و نشانه‌ای برای خلافت امام مهدی علیه السلام و صالحان در پایان تاریخ است و توجه و تدبر در این آیات و مثل‌ها ما را با ذی‌الایه و ممثلاً آشنا می‌کند. مقام خلافت، بشارت به آمدن او (بقره: ۳۰)؛ بهره‌مندی امام مهدی علیه السلام و یاوران ایشان به عنوان خلفای الهی از علم الاسماء، اطاعت و تسلیم فرشتگان برای آنان (صافی: ۱۴۳۰، ج ۲: ۳۰۴ - ۳۰۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۴)؛ سکونت آنان در بهشت زمین (صافی: ۱۴۳۰، ج ۳: باب ۸؛ مجلسی: ۱۳۶۲، ج ۵۳: ۴۳)؛ با نگاه به داستان آدم علیه السلام از منظر آیت، دریافت می‌شود (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۵۴).

۲.۲. نوح علیه السلام

داستان نوح علیه السلام به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم، همچنین داستان هود علیه السلام و صالح علیه السلام به

عنوان پیامبران تابع شریعت نوح علیه السلام نشانه‌ها و شباهت‌هایی با امام مهدی علیه السلام و دوران ایشان دارد: عمر طولانی (صدوق: ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۲)؛ ماموریت جهانی (زمخشری: ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۳۴؛ صافات: ۷۹)؛ ابتلای قوم (مکارم: ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۳۲) و تأخیر در تحقق وعده عذاب کافران و نجات مومنان (صدوق: ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۵۴)؛ نابودی کافران قوم در دنیا (اعراف: ۵۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۰۹؛ جوادی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۸۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۸۸) و نجات صالحان (ذوالفقار زاده: ۱۳۸۹؛ فصل ۶) و ورود آنان با برکت و سلامت در دنیا (هود: ۴۸)؛ نمونه‌هایی از این شباهت‌هاست (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۶۸).

۳.۲. ابراهیم علیه السلام

داستان ابراهیم علیه السلام و هادیان پیرو شریعت او، چون یوسف نبی و ذوالقرنین، نیز نشانه‌ها و نمونه‌هایی برای امام مهدی علیه السلام در خود دارد. پنهانی ولادت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۳۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳: ۲۶۱؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۲)، عمر طولانی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۲۴)؛ بشارت و وعده آمدن او (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۹۸)؛ بشارت به تمکین و غلبه (سند، ۱۴۳۱: ۶۴)؛ غیبت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۴۴)؛ به معنای پنهانی از شعور و احساس مردم (سند: ۱۴۳۱: ۳۵)؛ اجرای وظایف الهی در دوران غیبت (سند، ۱۴۳۱: ۸۶)؛ وظایف منتظران در دوران غیبت (سند: ۱۴۳۱: ۱۱۰)؛ ظهور (یوسف: ۸۸-۹۰)؛ عذاب کافران (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۰۳) و نجات مومنان و ورود به سرزمین پربرکت (انبیاء: ۷۱)، از جمله این نمونه‌هاست.

۴.۲. موسی علیه السلام

داستان حضرت موسی علیه السلام نیز حاوی نمونه‌ها و نشانه‌های مهدوی است. پنهانی ولادت (سند، ۱۴۳۱: ۳۳)؛ غیبت‌های دوگانه (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۱۰)؛ عامل غیبت، (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۴۵)؛ ارتباط با شبکه الهی در دوران غیبت (قصص: ۲۳-۲۸)؛ ظهور (قصص: ۳۶)؛ ابتلائات و جدایی نیکان از بدان (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۱۳)؛ عذاب فرعونیان (اعراف: ۱۳۶)؛ تأخیر عذاب بنی اسرائیل پس از فرعون (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۲۲) و نجات مستضعفان وارث زمین (طه: ۸۰؛ اعراف: ۱۳۷ و ۱۶۱)؛ از این نشانه‌هاست که شبیه آن درباره امام مهدی علیه السلام و

دوران ایشان جریان دارد.

۵.۲. عیسی علیه السلام

عیسی علیه السلام که بنابر روایات فریقین در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام از آسمان نزول نموده، امام را یاری می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۰۳)؛ در دوران حیات و رسالت خود در زمین با امام مهدی علیه السلام شباهت‌هایی دارد؛ شباهت‌هایی چون اختلاف امت درباره ولادت و وفات او (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۵۴، سند، ۱۴۳۱: ۲۵۷). غیبت او که همان رفعت به آسمان است و با وجود تفاوت، با غیبت امام نیز شباهت‌هایی دارد (همان: ۲۶۴). رجعت اصحاب کهف که از پیروان آیین او بودند، نیز به رجعت یاوران امام مهدی علیه السلام شبیه است (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

۳. یادکرد امام مهدی علیه السلام ضمن بیان پدیده‌هایی در طبیعت

در برخی آیات، برای تبیین حقایق مهدوی از پدیده‌هایی در عالم طبیعت استفاده شده است. با نظری دقیق‌تر به این مسئله میان تمثیل بشری و تمثیل الهی تفاوت و تمایزی دیده می‌شود. از نظر انسان، مفاهیم ملموس و محسوس مادی در دسترس ترند و بشر برای تفهیم مفاهیم انتزاعی و تقریب به ذهن آن از مفاهیم محسوس و مادی، به عنوان مثال بهره می‌گیرد؛ اما خداوند متعال خالق همه عوالم غیب و شهود است و میان این عوالم مراتبی قرار داده؛ عالم ماده را دنیا نامیده و آن را پست‌ترین عالم شمرده است. در این نظام، «خلقت»، یعنی ظهور اشیای غیبی در عالم دنیا با اندازه‌ها و خصوصیات است که مشیت خداوند آن را تقدیر می‌کند و خداوند این ظهور را «نزول» خوانده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۱۴۳-۱۴۵). او در طرح خلقت دنیا به مفاهیم و موجودات برتر در غیب نظر داشته و هر شیء و قاعده‌ای را در دنیا مثال و نمونه‌ای از اشیاء و قواعد فرامادی در عوالم بالاتر آفریده است. او خورشید را مثال و نشانه‌ای برای وجود هدایتگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است که به نور هدایتش همه موجودات عالم انسانی روشن می‌شود و ماه را آیه‌ای برای وجود مبارک امیر المومنین علیه السلام آفریده که بیش‌ترین بهره‌را از خورشید رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌برد و آن را به سایرین باز می‌تاباند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۶۷۰). بنابراین، در مثال‌های الهی، ممثل و ذی

الآیه اصل است و ممتلٌ به و آیه فرع بر وجود آن است. برای وجود خاتم الاوصیا، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز آیاتی در آفرینش قرار داده که در روایات شیعه تاویل آن بیان شده است که به مواردی اشاره می‌شود:

۱-۳. روز، نشانه و آیه ای است برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

در روایات شیعه، در تبیین آیات ابتدایی سوره شمس (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۰) و لیل (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۶۷۷)؛ «النهار» تشبیه و تأویلی برای دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی شده است.

۲-۳. آب روان، نشانه ای از علم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و فرو رفتن آب روان مثالی از غیبت ایشان در روایات ذیل آیه (ملک: ۳۰) آمده است: اگر امام خود را نیافتید و ندیدید چه می‌کنید؟ (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۴۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۶)؛ یا این که منظور از «آب»، امامان و دروازه‌های میان خدا و خلق اویند. چه کسی می‌تواند علم امام و اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۶) را برای شما بیاورد. رسول خدا صلى الله عليه وآله در حدیث عمار، آخر الزمان را توصیف کرده و با استشهاد به این آیه از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه سخن می‌گویند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۴۸). به راستی عصر غیبت عهد خشکسالی است و جان بشر تشنه علم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است و بی‌بهرگان از علم او، از حیات حقیقی بی بهره‌اند.

۳-۳. باران، نشانه‌ای از حیات بخشی امام مهدی به مردمان زمین

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۷ سوره، حدید فرمود: خدای تعالی زمین را به واسطه قائم عجل الله تعالی فرجه زنده می‌کند، از آن پس که مرده باشد و مقصود از مردن آن، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۶۸).

۴-۳. طلوع فجر، نشانه‌ای برای ظهور امام مهدی

بنابر روایات ذیل آیات ابتدایی سوره فجر، ظهور امام قائم عجل الله تعالی فرجه چون طلوع فجر است که سیاهی و تاریکی دولت ابلیس را می‌برد و روز دولت حق را نوید می‌دهد (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۶۵۰)؛ زیرا به گفته امام صادق علیه السلام دنیا از زمان خلقت آدم علیه السلام محلّ نزاع دولت ابلیس و

دولت الله است و تنها با ظهور امام مهدی عجل الله فرجه دولت الله پیروز گشته و یکه و بی رقیب در دنیا حکومت می کند (همان، ج: ۱: ۶۹۶) و ملک و پادشاهی الهی ظاهر می شود.

۳-۵. ستارگان پنهان شونده، نشانه ای از امام غایب

«الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» (تکویر: ۱۶)، ستارگانی هستند که در پاره ای از زمان پنهانند و آن گاه چون شهابی درخشان در شب ظاهر می شوند (مکارم، ۱۳۷۴، ج: ۲۶: ۱۹۰)؛ مانند امام مهدی عجل الله فرجه که پس از دوران پنهانی و غیبت، برای اهل زمین آشکار می شوند (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۱: ۳۴۱).

۳-۶. ماهها و برجها، نشانه ائمه دوازده گانه اند

«سال»، نشانه ومثالی برای رسول خداست که عصر و زمان به برکت وجود ایشان آفریده شده است و ماههای دوازدهگانه در آیه ۳۶ سوره توبه امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت ایشانند که وارث علوم آن حضرت و رساننده آن علوم تا آخرالزمان به مردمند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج: ۲: ۷۷۳ و ۷۷۴) و بروج، منازل رفیع و عالی است و مقصود از آن در آیه یکم سوره (بروج: ۱) منازل خورشید و ماه و ستارگان است و آن دوازده برج است. ماه در هر برجی از آن دو روز و دو ثلث روز سیر می کند و خورشید در هر برجی یک ماه سیر می کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۱۰: ۷۰۷)، بروج نشانه هایی برای امامان دوازدهگانه اند که یکی پس از دیگری می آیند و دور زمان به آنها کامل می شود و آخرین آنان امام مهدی عجل الله فرجه است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج: ۱۴: ۲۰۸).

نتیجه گیری

در قرآن به سه صورت از امام مهدی عجل الله فرجه یاد شده است. آیات قصص قرآن که یک چهارم قرآن را به خود اختصاص داده، بیشترین پیامها را درباره امام مهدی عجل الله فرجه در خود دارد. آیات مهدوی در محدوده قصص قرآن به مواردی محدود نیست که در روایات مستقیما بدان اشاره رفته است؛ بلکه با تدبر و تعقل در آیات قصص قرآن، از منظرهای مورد توصیه آیات و

روایات (سنت، مثل، آیت و عبرت) حقایق فراوانی درباره امام مهدی عجل الله فرجه و آینده جهان از قرآن کشف می‌گردد که در روایات غیر تفسیری از آن سخن رفته است.

تعدادی از این حقایق عبارتند از: مقام خلافت امام مهدی عجل الله فرجه (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۷-۲۵۳)؛ بشارت به ولادت و ظهور او (همان، ج ۲: ۲۰-۱۲۰)؛ پنهانی ولادت (همان، ج ۲: ۲۸۹)؛ طول عمر (همان، ج ۲: ۲۷۲)؛ غیبت (همان، ج ۲: ۲۴۲)؛ آغاز غیبت از سرداب، عامل غیبت (همان، ج ۲: ۲۶۱)؛ غیبت‌های دوگانه (همان، ج ۲: ۲۳۶)؛ مفهوم غیبت و نقش امام در دوران غیبت، ارتباط با اولیای الهی در دوران غیبت (همان، ج ۲: باب ۵ و ۶)؛ مأموریت جهانی (همان، ج ۳: ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۳۶)؛ ظهور امام، شدت ابتلائات در دوران غیبت و آستانه ظهور (همان، ج ۳: ۸۱)؛ عذاب و نابودی کافران (همان، ج ۲: ۲۹۷)؛ همراهی مومنان صالح با امام (همان، ج ۳: ۱۷۷)؛ حکومت بر تمام زمین (همان، ج ۲: ۲۹۹)؛ اطاعت و تسلیم فرشتگان و همه خلقت در برابر او (همان، ج ۲: ۳۰۳) و زندگی پربرکت در زمین (همان، ج ۳: ۱۶۸-۱۷۵ و ۱۳۸-۱۴۶).

بدین ترتیب صحت بخش عمده روایات درباره امام مهدی عجل الله فرجه در عرضه به آیات قصص قرآن آشکار می‌گردد.

منابع

قرآن مجید.

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمیه، بیروت، منشورات محمد علی بیضون.
۳. امین، احمد (۱۹۹۹م). *ضحی الاسلام*، مصر، مکتبه الاسره.
۴. اکبر نژاد، مهدی، (۱۳۸۳). *نقد دیدگاه ابن خلدون درباره احادیث مهدویت*، تهران، فصلنامه قیاسات، شماره ۳۳.
۵. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
۶. ----- (۱۳۶۸)، *المحججه فی ما نزل فی القائم الحجه*، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، نشر آفاق.
۷. تاجری نسب، غلامحسین (۱۳۸۷). *فرجام شناسی حیات بشر*، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴ق). *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. --- (بی تا)، *مصباح الاصول*، تقریر محمد سرور واعظ حسینی، قم، نشر داوری.
۱۱. دژآباد، حامد (۱۳۹۱). *بررسی ادله اهل سنت درباره آیه استخلاف و ارتباط آن با عصر ظهور*، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۲۲.
۱۲. ذوالفقار زاده، محمد مهدی (۱۳۸۹). *درآمدی بر مدیریت صالحین*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸). *گونه شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری*، انتظار موعود، شماره ۳۱.
۱۴. روحانی مشهدی، فرزانه (۱۳۹۲). *امام مهدی و سرگذشت پیامبران الهی در قرآن*، تهران، انتشارات منیر.
۱۵. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۶. سبحانی، جعفر (بی تا). *کلیات فی علم الرجال*، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. سند، محمد (۱۴۳۱ق). *الامام المهدی و الظواهر القرآنیة*، نجف اشرف، مرکز الدراسات التخصصیه فی الامام المهدی.
۱۸. سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره، دار الشروق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، بی نا.

۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۳۰ق). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، مرکز نشر و توزیع
الاتار العلمیة فی مکتب سماحة آیه الله الصافی الگلپایگانی، قم، کوثر.
۲۱. _____ (۱۴۰۰ق). *اصالت مهدویت*، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیة.
۲۳. _____ بی تا. *علل الشرایع*، قم، داوری.
۲۴. طارمی، حسن (۱۳۹۲). *حجیت خبر واحد از نفی تا اثبات*، فصلنامه پژوهش های نهج البلاغه،
تهران، شماره ۳۶.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ
مدرسین قم.
۲۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت.
۲۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق) *نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). *اصول فقه شیعه*، نگارش محمود ملکی و سعید ملکی، قم،
مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۷۱). *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۳۱. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ
و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۲. قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۵ق). *ینایع المودة*، کاظمیة، دارالکتب العراقیة.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*، تهران، بی تا.
۳۵. کورانی، علی و همکاران (۱۳۸۶). *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، موسسه المعارف
الاسلامیة.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامیة.
۳۷. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۶۷). *مدخل «آخر الزمان» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران،
مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*، قم، موسسه فرهنگی التمهید.
۳۹. مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۱). *مشعل جاوید*، قم، انتشارات دلیل ما.
۴۰. _____ (۱۳۸۳). *حدیث مأثور*، فصلنامه حدیث اندیشه، شماره ۱۱ و ۱۲.
۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبة*، تهران، نشر صدوق، تهران.
۴۲. نیلی، عالم سبیط (۱۴۳۰). *الطور المهدوی*، بیروت، دار المحجة البيضاء.

الإنمط وأشكال التذكير بالإمام المهدي عليه السلام في القرآن الكريم

والروايات التفسيرية عليه السلام

فرزانه روحاني المشهدي¹

لاشك ولا ريب فإن عصر ظهور الإمام المهدي عليه السلام هو عصر تحقق الغاية الحقيقية من خلق الإنسان على البسيطة وقد تحدث القرآن الكريم عن ذلك في موارد كثيرة وقد تم في هذه المقالة وبمساعدة الروايات الشريفة الى معرفة وتشخيص ثلاثة أنواع من عملية التذكير بالإمام المهدي المنتظر (ارواخنا لمقدمه الفداء) في القرآن وهي عبارة عن:

١- التذكير المباشر بالإمام عليه السلام ٢- التذكير بالإمام من خلال التطرق الى تاريخ الأنبياء الربانيين والأمم السابقة ٣- التذكير بالإمام المهدي عليه السلام ضمن بيان الأمثلة الخاصة بالظواهر الطبيعية ومن ثم تناول المقالة دراسة النماذج المذكورة من كل قسم من الأقسام الثلاثة وبعد ذلك يتبين ويتضح ان عدد الآيات التي لها ارتباط مباشر بالإمام المهدي عليه السلام والمستقبل الذي يكون عليه العالم هي أكثر من الموارد التي تشير بصورة مباشرة الى عملية اتصالها بالإمام المهدي عليه السلام في الروايات الشريفة. ويمكن من خلال التدبر والتمعن في الآيات تلك الوصول الى حقائق متعددة عن الإمام الموعود والمصلح الحقيقي للعالم وعصر الظهور واستنباطها من القرآن وكذلك الدفاع عن صحة القسم الأعظم عن الروايات المهذوية الواردة في إطار المجال القرآني. المصطلحات المحورية: الإمام المهدي عليه السلام والأنبياء الإلهيين، الظواهر الطبيعية في القرآن، القيامة، الآية، المثل.

١٤١

انتظار موعود

سال سيژدهم / شماره ٤٣ / زمستان ١٣٩٢

١ استاذ مساعد في جامعة الشهيد بهشتي (ره) كلية الأعجاز القرآني .